



اکتشاف در ایران

خاطرات باستان شناسی

اریک اشمیت ۱۳۱۹-۱۳۰۹

عایشه گورسن زالتسمن

مترجم: محمد رضا رفائی

ویراستار: حمید کاشانیان

کارگاه هفت هنر

۱۳۹۱



گورسمان سالزمان، عایشه	سرشناسه
Gurstan-Salzmann, Aysa	عنوان و نام پدیدآور
اکتشاف در ایران: خاطرات باستان‌شناسی اریک اشمیت ۱۳۱۹ - ۱۳۰۹ / عایشه گورسمان زالتسمان	موضوع
مترجم: محمد رضا وفایی، ویراستار: حمید کاشانیان	موضوع
تهران: کارگاه هفت هنر، ۱۳۹۱	موضوع
۱۰۰ ص.؛ مصور.	موضوع
978-600-92784-0-4	موضوع
فینا	موضوع
Exploring Iran : the photography of Erich F. Schmidt, 1930-1940, عنوان اصلی:	موضوع
2007.	موضوع
اشمیت، اریک فریدریش، ۱۸۹۷ - ۱۹۶۲	موضوع
Schmidt, Erich Friedrich	موضوع
عکاسی در باستان‌شناسی -- ایران	موضوع
ایران -- آثار تاریخی	موضوع
وفایی، محمد رضا، مترجم	موضوع
کاشانیان، حمید، ویراستار	موضوع
CC۷۹ / م. ۸۸۹۱ / ۱۳۹۱	موضوع
۹۳۵	موضوع
۸۷۸۸۷۳	موضوع
	موضوع

اکتشاف در ایران

خاطرات باستان‌شناسی

اریک اشمیت ۱۳۱۹ - ۱۳۰۹

نویسنده: عایشه گورسمان زالتسمان

مترجم: محمد رضا وفایی

ویراستار: حمید کاشانیان

طراح گرافیک: زهرا محمد شیرازی

چاپ نخست: ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

لیتوگرافی: نقش آور

چاپ و صحافی: فارابی

نشر کارگاه هفت هنر: تهران صندوق پستی ۳۹۷۴ - ۱۵۸۷۵

info@hafthonar.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۷۸۴-۰۰۴



فهرست مطالب :

پیشگفتار نویسنده	۶
پروژه دامغان	۱۱
ایران دهه ۱۹۳۰	۱۴
از برلین تا فراعنه	۱۸
فراعنه	۲۱
از فراعنه تا دامغان	۲۸
کاوش در تپه حصار	۳۹
خاتمه حفاری در تپه حصار	۵۱
اشمیت ، مکتشفی پرشور	۵۶
پروازها	۶۶
باستان شناسی خاور نزدیک	۷۰
ضمیمه تصویری	۸۶

پیشگفتار نویسنده

در ژوئن سال ۱۹۳۱ میلادی (۱۳۱۰ خورشیدی) موزه باستان شناسی و مردم شناسی دانشگاه پنسیلوانیا به اتفاق موزه هنر فیلادلفیا (که بعداً موزه هنر پنسیلوانیا شد) اولین گروه باستان شناسی را به ایران اعزام کردند. این پروژه که به هیات مشترک باستان شناسی در ایران مشهور است، شامل حفاری های عصر مفرغ در تپه حصار (۲۰۰۰ - ۴۵۰۰ قبل از میلاد)، نزدیک دامغان در شمال شرقی ایران و نیز شامل کاخ ساسانیان (قرون ۲ تا ۷ میلادی) می شد که بر بقایای مکان های مسکونی پیش از تاریخ بنا شده بود. این کاخ مرکب از بناهای عظیم، به همراه گچ کاری های بی نظیر دوره پیش از اسلام بود.

در نخستین فصل حفاری های تپه حصار، شمار زیادی از اشیاء بی نظیر مانند زیورآلات طلایی و مفرغی، سلاح، سنگهای قیمتی، ظروف سفالین و ظروف زیبای مرمرین به دست آمد. گزارشهای "پرفسور پوپ" درباره حفاری های کاخ ساسانیان که در نشریه " اخبار مجبور لندن " (۲۶ مارس ۱۹۳۲) به چاپ رسید و نیز یافته های پیش از تاریخ او (۱۲ سپتامبر ۱۹۳۲ و ۲۸ ژانویه ۱۹۳۳) در اروپا و آمریکا شهرت بسیار یافت. علاقه عموم به چنین مسائلی نیز موجب تامین سرمایه ای گردید تا پروژه دامغان ادامه یابد و دانشگاه، موزه را قادر ساخت تا در دهه های بعد تحقیقاتی در ایران و خاورمیانه انجام دهد.

هاریس جین، مدیر موزه دانشگاه، "اریک اشمیت"، باستان شناس جوان را مامور کرده بود تا این پروژه را انجام دهد. اشمیت قبلاً در سالهای ۲۶ - ۱۹۲۵ میلادی حفاری هایی در منطقه آریزونا

انجام داده بود. او در سالهای ۲۹ - ۱۹۲۷ میلادی دستیار مدیر حفاری های منطقه الیسار در مرکز ترکیه بود و عضویتش در موزه تاریخ طبیعی آمریکا در نیویورک، امتیازات درخشانی را از باستان شناسان معروف آمریکایی، نظیر "آلفرد کیدر" از دانشگاه هاروارد، برایش به ارمغان آورد. اشمیت مردم شناسی را در دانشگاه کلمبیا و زیر نظر "فرانتس بوئاس"، پدر علم مردم شناسی در آمریکا فرا گرفت.

پروژه دامغان، اشمیت را به کاوشهای دیگری در نواحی و مناطق متعدد ایران کشاند و در باستان شناسی بر قدیم، تجارب بسیاری به دست آورد و کارشناسی خانه بدوش شد که ظاهراً از آن لذت می برد. داستان زندگی اشمیت سرشار از وقایع و اتفاقات شگرف است.

او در سال ۱۸۲۷ میلادی در استان بادنباден در جنوب آلمان متولد شد و ۱۰ ساله بود که پدرش، استاد دانشگاه و روحانی پیرو عقاید لوتر، درگذشت. خانواده اش، چه از جانب پدری و چه از جانب مادری، از ارتشیان آلمان بودند. اشمیت پس از فارغ التحصیلی از دانشکده افسری در "کار لسروئه" برلین، در مقام افسر ارتش در جنگ اول جهانی در جبهه شرق جنگید. ارتش آلمان در حال عقب نشینی، او را که مجروح شده بود، تنها گذاشت و سرانجام از آنجا گریخت و از راه خشکی به آلمان بازگشت. اشمیت در ۲۴ سالگی بار دیگر دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه فریدریش ویلهلم در برلین شد و در آنجا از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۳ میلادی به تحصیل پرداخت.

اشمیت در دسامبر ۱۹۲۳ به آمریکا رفت و در دانشگاه کلمبیا به تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۲۹ میلادی موفق به دریافت مدرک دکترا شد. انگیزه او برای سفر به آمریکا و تحصیل در رشته مردم شناسی معلوم نیست. بر اساس یکی از نامه های بدون تاریخ او در بایگانی موزه تاریخ طبیعی آمریکا، مادر بیوه و سه خواهر و برادرش در جنگ اول جهانی یا اندکی پس از آن فوت کردند. شاید این جوان ماجراجو و جنگ گریز معتقد بود که آمریکا زندگی جدیدی برایش فراهم می سازد. او علاقه اش به مردم شناسی را در تقاضای صریحی از موزه تاریخ طبیعی آمریکا به اختصار چنین بیان می کند: "آموزش من در کارهای باستان شناسی و مردم شناسی عملاً مبتنی بر سفرهای فراوان به نواحی بر قدیم است که روسیه و سیبری را شامل می شود و در آنجا اجباراً روابط تنگاتنگی با بومیان بدوی، بربرها، قرقیزها و غیره داشتم."

موزه تاریخ طبیعی آمریکا، اشمیت را که هنوز در دانشگاه کلمبیا تحصیل می کرد، به صورت کارمند دائم به خدمت گمارد و این، منصبی بود که نخستین کار میدانی را در آریزونا برایش به ارمغان آورد. سرمایه کار مذکور را خانم "گرتروید تامسن" تامین کرد که تا پایان حفاری های ایران حامی اصلی وی بود. یکی از استادان اشمیت در دانشگاه، یعنی "پروفسور پولیوس گوبل" بود که ظاهراً او را به دو تن از کسانی معرفی کرد که در زندگی حرفه ای اشمیت نقش بسزایی ایفا کردند. یکی "فیسکه کیمبل" بود که سپس مدیر موزه هنر پنسیلوانیا شد (بعداً به موزه هنر فیلا دلفیا تغییر نام داد که به پروژه دامغان کمک مالی کرد) و دیگری خانم تامسن بود.

پروژه دامغان تا حد زیادی با پشتکار و پافشاری اشمیت و جین دو فصل دیگر، یعنی از ژوئن ۱۹۳۱ تا دسامبر ۱۹۳۲ (۱۱-۱۳۱۰ خورشیدی) ادامه یافت و با رسیدن فصل زمستان، کار آن دو تن به یادداشت برداری، ترسیم و ذکر اشیاء مکشوفه محدود شد. این پروژه موفقیت عظیمی بود نه فقط به خاطر کشف بیش از ۵۰۰۰ شیئی و شمار بسیار زیادی دفینه، بلکه بدان دلیل که یکی از اولین حفاری های منظمی بود که در ایران انجام شد. رویکرد مردم شناختی اشمیت در عین حال که از دقت روش شناختی و نظریه باستان شناسی آن زمان بی بهره بود، در آن دوران کاری انقلابی محسوب می شد. تپه حصار هنوز هم اساس و بنیان ترجمان سلسله فرهنگهای منطقه است.

در پایان فصل دوم این حفاری ها، نیمی از مصنوعات حفاری شده، انتخاب و به موزه دانشگاه فیلادلفیا ارسال شد. نیمه دیگر، طبق بند قانون جدید آثار باستانی ایران، به موزه تهران سپرده شد. موزه هنر فیلادلفیا فقط از گچ کاری های معماری حفاری های کاخ ساسانی سهم برد. اشمیت و گروهش که شامل عکاسانی از روسیه سفید و لهستان بودند، تقریباً ۲۶۰۰ عکس سیاه و سفید گرفتند که برخی از آنها کیفیت بی نظیری داشتند. اشمیت، گزارشهای موقت پروژه دامغان و اکثر اسناد آن ناحیه را به بایگانی موزه دانشگاه سپرد.

من (نویسنده) هنگامی که در بایگانی موزه دانشگاه بر سفالینه های عصر مفرغ حاصل از تپه حصار تحقیق می کردم، به عکسهای منگور علاقه مند شدم و به طور تصادفی مکاتبات ۱۰ ساله اشمیت با مدیر موزه دانشگاه و سایر کارشناسان و دولتمردان را یافتم. اشاره اشمیت به عکسهای آن ناحیه باعث شد ۱۵ آلبوم عکس بسیار بزرگ را بینم که مرکب بودند از تصاویر حفاری ها و سفر به خاور نزدیک. پروژه دامغان اکثریت عکسها را تشکیل می دهند، اما تصاویری از سفرهای اشمیت به ناحیه اسکان سومری ها در عراق نیز وجود دارند که این سفرها به نمایندگی از موزه دانشگاه و سفرهای بعدی اش به ایران انجام شدند. این عکسها نواحی گسترده ای از خاور نزدیک را در برمی گیرند و از استانبول تا بغداد و جنوب بین النهرین، دریای خزر و تا مناطق دوردستی مانند مرزهای جنوبی آسیای مرکزی امتداد دارند. تصاویر یاد شده به روشنی گویای پشتکار، بینش و کنجکاوی اشمیت هستند. عکسهای یاد شده باعث می شوند بیننده خود را همراه اشمیت و گروهش در سفرهای ماجراجویانه زمینی تصور کند و به جزئیات تاریخی و قوم نگاری دقیقی دست یابد.

اشمیت گاه و بیگاه از عکاسانش می خواست تا برای عکاسی از نقوش برجسته یا از کتیبه ای بر صخره ای عظیم و یا به منظور ثبت سایه غزالی که بر تلی دور دست ایستاده، به نواحی بلند و مرتفع بروند. آنها همچنین از مردم و فعالیت های روزمره آنها عکس گرفتند، جز اشخاص بلند پایه ای مانند روسای اقوام گوناگون که از ایشان درخواست می شد در حالت موقرانه ای بایستند.

اسناد بایگانی شده فراوانی وجود دارند که شامل مکاتبات، گزارشها و عکسهایی هستند که موجب نگارش کتاب حاضر گردید. اسناد یاد شده نشان می دهند که پروژه دامغان و ساماندهی موزه

دانشگاه برای حفاری های بلند مدت چرا و چگونه صورت گرفت. شایان ذکر است که مکاتبات اشمیت با مدیر موزه و سایر مقامات، از طریق مسیرهای پستی دشوار از آمریکا به دامغان و بالعکس انجام می شد. "ارسکین وایت"، معمار پروژه، در یادداشت های خاطراتش اشاره می کند که "بسته نامه ها با کشتی از اقیانوس اطلس می گذشت، در اروپا به برلین و سپس به مسکو می رفت و از آنجا به باکو در کنار دریای خزر می رسید و از آنجا تا تهران با واگن باری طی می شد". ما از طریق مکاتبات، یادداشتهای محل حفاری ها و یادداشت های روزانه سفرهای اشمیت می توانیم تجربه انسان پر تحرکی را تصور کنیم که تحقیقات میدانی او را در بر گرفته و فراتر از ثبت و ترجمه داده های باستان شناختی او است.

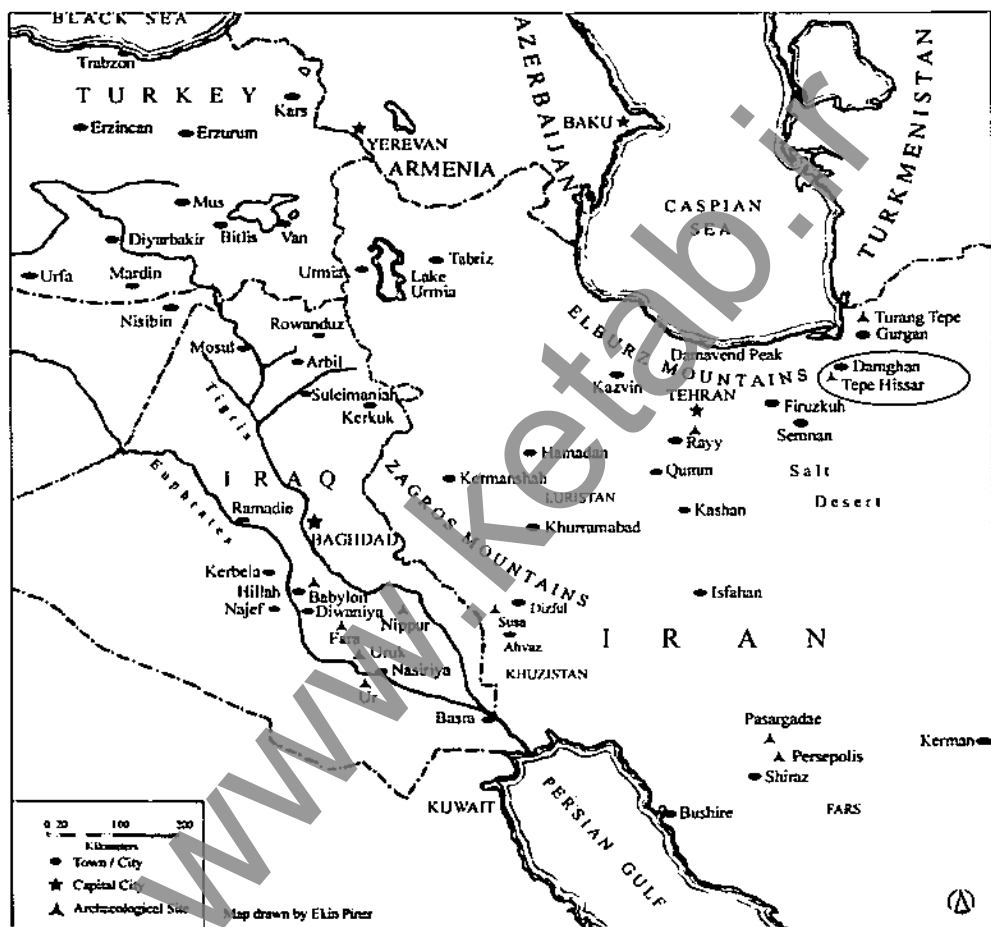
کار دشوار من نخست آن بود که حکایتی مصور از پروژه دامغان و دست اندرکاران اصلی آن فراهم کنم که بیش از ۷۵ سال پیش زندگی و کار می کردند. این تحقیق، مطالعه و کنار هم قرار دادن اطلاعات نامه ها، گزارشها و کاتالوگ ها را لازم داشت. کار بعدی آن بود که شمار معقولی از تصاویر مقولات مختلف انتخاب و گردآوری شوند. من اغلب نامه نگاری اشمیت به مدیران گوناگون موسسات حامی خود و به همکارانش و پاسخ آنها به او را ذکر کرده ام. نامه های مذکور بهترین منابع اطلاعاتی بی واسطه محسوب می شوند. سرانجام، از میان هزاران تصویر ۴۹ عکس را برای چاپ در متن کتاب انتخاب کردم، مضافاً بر اینکه جزئیات مردم شناختی و باستان شناختی، بازآفرینی و کیفیت های زیبایی شناختی را بسیار مورد توجه قرار دادم. این عکسها تا به امروز برخی از بهترین منابع اسناد مصور منظر فرهنگی ایران و عراق، مردم و آثار تاریخی شان به شمار می آید. عکسها، ابدیتی خاص را آشکار می سازند.

زمانی که بر کتاب کار می کردم، جنگ در عراق رو به گسترش بود و هنگام مطالعه گزارشهای اشمیت، از ارتباطشان با زمان حال شگفت زده شدم. این رابطه در واقع وجود منافع امپریالیستی غرب در خاورمیانه بود. جایی که نزاعهای مذهبی داخلی و کشمکشهای قبیله ای بر سر قدرت، در هم تنیده اند و غرب نمی تواند آنها را درک کند. اسناد به نحوی، گذشت نزدیک را به زمان حال مرتبط و به من یادآور می شوند که منابع تاریخی مهمی هستند.

اکنون تقریباً یک چهارم قرن از زمانی که ایران درهائش را به روی تحقیقات کارشناسان غربی بست، می گذرد. امیدوارم که در دهه های آتی موزه دانشگاه به فعالیت در پروژه ای مشترک با همکاران ایرانی ادامه دهد و تحقیقات دانشگاهی اش را که اشمیت در سال ۱۹۳۱ میلادی آغاز کرد و باستان شناسان آمریکایی تا سال ۱۹۷۹ میلادی ادامه دادند، به اجرا درآورد.

عایشه گورسن زالتسمان

۲۰۰۷ میلادی



پروژه دامغان

در بخش اعظم نیمه نخست قرن بیستم، ایران از نظر باستان شناسی هنوز در زمره اراضی کشف نشده بود، جز آنکه حفاری های بلند مدتی انحصاراً به دست فرانسویان انجام می گرفت. هیات اعزامی فرانسویان به شوش تحت نظر هیات علمی دولت فرانسه در ایران از سال ۱۸۱۷ تا ۱۹۲۷ میلادی (۱۳۰۶-۱۱۹۶ خورشیدی) در غرب ایران مشغول حفاری بود و در این زمان نقش انحصاری فرانسه در این کشور خاتمه یافت. اکتشافات علمی دیگر و روایات مسافران در مناطق نزدیک عراق، ترکیه و ترکمنستان به ارتباطات فرهنگی آنها با ایران، خاصه در دوران اولیه پیش از تاریخ هزاره پنجم قبل از میلاد، اشاره می کردند.

در عین حال که موزه دانشگاه حفاری های عمده ای را پیش از آن در عراق انجام داده بود که از سال ۱۸۸۸ میلادی در محل "نیپور" آغاز شده بود و بعداً در "اور" و "تپه گور" و "بتشان" ادامه یافت. پروژه دامغان اولین حفاری باستان شناسی آمریکایی در ایران بود. حفاری های فرستادگان موزه در اور که تحت رهبری "لئونارد وولی" قرار داشت، اشیاء زیبایی از گورستان سلطنتی سومریان را آشکار ساخت و ارتباطات فرهنگی آن با زیستگاه های پیش از تاریخ در شوش را تایید کرد.

به نظرهاریس جین، (مدیر موزه دانشگاه از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۴۱ میلادی) پروژه دامغان می توانست حلقه دیگر زنجیره ارتباط فرهنگی میان بین النهرین و ایران را نشان دهد. او همچنین ابراز امیدواری کرد که این پروژه، گنجینه بسیاری از اشیاء را برای نمایش در موزه دانشگاه فراهم کند و نیز آنجا را به موسسه آمریکایی پیشگام باستان شناسی در ایران تبدیل نماید. پروژه مذکور هر دو اهداف یاد شده را محقق می سازد.

در اوایل سال ۱۹۳۰ میلادی جین و اشمیت به توافقی دست یافتند که اشمیت بعداً در ۲۴ نوامبر ۱۹۳۰ در قالب پیش نویس قرار داد مشروحي برای تایید جین مکتوب کرد. قرارداد او شامل توصیف کار اشمیت، میزان بودجه، شرایط کارکنان، تجهیزات و حتی کشورهایی بود که در سفرشان به ایران، از آنها دیدن می کردند.

قرارداد به شرح زیر است:

"بدیهی است که اشمیت مدیر محل حفاری این کاوش است و مراحل علمی، فنی و اجرایی آنجا را برعهده دارد. علاوه بر آن، ایشان وظیفه دارند که مناسبات خوبی میان دولت ایران و موسسه باستان شناسی و هنر ایرانی در نیویورک برقرار سازد. این امر پس از تلاشهای "فریدریک ولسن" که حدود یک ماه همراه هیات اجرایی خواهد بود و رابطه دوستانه ای میان این هیات و مقامات دولت ایران برقرار می سازد، عملی می گردد. در خصوص دکتر هرتسفلد باید گفت که گهگاه از محل حفاری بازدید می کند و مشاور علمی خواهد بود.

میزان بودجه هیات اعزامی بالغ بر ۱۶۰۰۰ دلار است. این مبلغ علاوه بر تمام هزینه های تجهیزات، مواد، مخارج سفر و دستمزد کارگران، شامل حقوق دکتر ولسن، بازرس معمار و اشمیت نیز می گردد. سرمایه مذکور کفایت تمام کارکنان را نخواهد کرد. بدیهی است که هیات اعزامی تا زمانی در محل حفاری کار خواهد کرد که سرمایه به کلی به اتمام برسد و در محل خواهد ماند تا بودجه ادامه کار هر چه رودتر تامین شود."

تامین بودجه این هیات اعزامی نیز مانند موارد دیگر موضوعی حساس بود. در میانه رکود بزرگ اقتصادی آمریکا، حمایت از موزه دانشگاه و اکثر مؤسسات هنری و تحصیلی قطع گردید. در ۶ سپتامبر ۱۹۳۱ کیمبل، مدیر موزه هنرفیلا دلفیا و حامی مالی مشترک این هیات اعزامی، اهمیت و خامت وضعیت مالی را این طور بیان کرد:

"موزه دانشگاه تمامی شایستگی خود را از دست داد و ما در موزه پنسیلوانیا ۱۱۸۰۰۰ دلار از بودجه اختصاصی مان را از دست دادیم. ما خصوصا ناگزیر بودیم نیمی از نیروی کار خود را اخراج و در روزهای بعد دو ساختمان موزه را تعطیل می کردیم. شما (آقای اشمیت) می بینید که دست به هیچ کاری نزده ایم و هیات اعزامی به ایران را فدای هیچ چیز دیگری نکرده ایم."

در طول پروژه دامغان، موزه دانشگاه بر نیمی از در آمد ثابت خود کارکرد و کارکنان اجرایی را به چهار تن کاهش داد که مدیر

اجرای در زمره اخراج شدگان بود که گهگاه مجبور بود راهروها را خودش شخصا جارو بزند.

موزه دانشگاه شروع به فروش نمونه های دوم مجموعه های باستانی کرد تا بودجه عملیات حفاری را دوباره تامین نماید. با وجود شرایط اقتصادی و مالی حادی که گریبانگیر موزه شده بود، ۱۵ عملیات حفاری از آلاسکا گرفته تا گواتمالا، مدیترانه و خاور نزدیک را انجام می داد که پروژه دامغان نیز از جمله آنها بود. جین و کیمبل با وجود کمبودهای مالی مصمم بودند پروژه دامغان را با حمایت مؤسسات خصوصی و افراد حامی این کار، به انجام برسانند. در حالی که امروزه بودجه چنین هیات های اعزامی اساسا از طریق بنگاهها و مؤسسات دولتی تامین می شود، در اوایل دهه ۱۹۰۰ این بودجه را عمدتا منابع و مراکز خصوصی تامین می کردند. هاریس جین در ۲۱ سالگی به سمت مدیر موزه دانشگاه منصوب شد و در پی آن بود تا پروژه ای را در منطقه تازه ای در خاور میانه به راه اندازد. او که فارغ التحصیل رشته باستان شناسی از دانشگاه هاروارد و کارشناس هنر مشرق زمین بود ارتباط منطقی و اجتماعی خوبی با دانشگاه فیلادلفیا برقرار کرده بود. پدرش دانشمندی بلند آوازه و بنیانگذار موسسه کالبد شناسی و زیست شناسی ویستا در دانشگاه پنسیلوانیا بود. عموی بزرگ مادر جین که نوه هاریس هاوورد فرنیسی، شکسپیر شناس بود، به فرانک فرنیس معمار فیلادلفیا شهرت یافت که ساختمان دانشکده هنرهای زیبا را طراحی کرد و اکنون کتابخانه هنرهای زیبا و نگارخانه آرتاس در آنجا واقع است.

جین که مایل بود این کار بزرگ را با بودجه ای اندک به انجام برساند از ۲۰ خانواده سرشناس فیلادلفیایی درخواست کرد. در این پروژه سهیم شوند. حتی عمویش در فهرست مذکور بود. سرانجام جین موفق شد ۱۶ خانواده را متقاعد کند که هر کدام به مدت سه سال و هر سال ۱۰۰۰ دلار برای پروژه مورد نظر پرداخت نمایند.

در این میان، موزه دانشگاه در جستجوی تامین بودجه بود. آخرین راه چاره اشمیت آن بود که حقوقش را به این کار

اختصاص دهد، اما هر دو مدیران موزه آن را نپذیرفتند. اشمیت سپس به حامی مالی قدیمی اش یعنی خانم تامسن مراجعه کرد. او به جای آنکه مستقیماً از خانواده تامسن درخواست کمک مالی نماید، در ۵ مارس ۱۹۳۰ طی نامه ای به منشی آنها، درخواست خویش را به شرح زیر مطرح ساخت :

" کورنلیوس عزیز، تمایلی به درخواست تامین بودجه ندارم. معذرتا تنها راه چاره ام می باشد. این درخواست اساساً به جهت انجام کاری علمی صورت می گیرد. اگر ثروتمند و متمول بودم، سرمایه ام را به چنین اقدامی اختصاص می دادم. خواهشمندم مرحمت فرموده، نظر اینجانب را به سرکارخانم تامسن اعلام فرمایید. چنان که پیشتر متذکر شدم، این اقدام تنها آغاز فعالیت ما است."

این نامه که مدیران و سیاستمداران نوشته شده بود، موثر واقع شد. خانم تامسن، وفادارترین حامی این پروژه شد و بیش از ۲۰۰۰ دلار در آن مدت به اشمیت پرداخت و حتی مبالغ بیشتری را به سایر پروژه های وی در ایران اختصاص داد. عقل و صرفه جویی اشمیت در استفاده از سرمایه خانواده تامسن سهم بسزایی در موفقیت مالی پروژه دامغان داشت.

ایران دهه ۱۹۳۰ میلادی

اکتشافات اشمیت در ایران و بین النهرین با توسعه اقتصادی جاری اروپا و آمریکا و سامان گرفتن امور فرهنگی و آموزشی در آن دو قاره مصادف بود. از آغاز قرن بیستم و در سایه حمایت شرکت نفتی انگلیسی - ایرانی، بریتانیا نزدیک خلیج فارس از میدانهای نفتی فراوانی بهره برداری می کرد. تا سال ۱۹۴۵ میلادی (۱۳۲۴ خورشیدی) و در دوران سلطنت رضا شاه، غربی سازی و متجدد ساختن ایران با سرعت زیادی ادامه داشت. مجلس ایران از مجلس بریتانیا الگو برداری شد و پیمانکاران آلمانی و آمریکایی به ساخت شبکه راه آهنی اقدام کردند که از دریای خزر تا خلیج فارس امتداد داشت.

ضمن آنکه فرانسویان از نیمه دهه ۱۸۰۰ در شوش مشغول